

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان:

دیدگاه دکتر صفری درباره «شق القمر» و «رد الشمس»؛ نقدی بر دیدگاه آیت الله خراسان

درآمد

در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۳، به همت معاونت پژوهش و گروه تاریخ اهل بیت مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی و با همکاری معاونت پژوهش دانشگاه مجازی المصطفی و انجمن تاریخ پژوهان حوزه، نشست علمی با عنوان «روش‌شناسی آیت الله خراسان در بررسی دو واقعه شق القمر و رد الشمس» با ارائه‌ی دکتر نعمت الله صفری فروشانی و «نقش علمای پارسا در حفاظت و صیانت از مکتب اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره آیت الله خراسان» با ارائه‌ی دکتر حسین عبدالحمیدی برگزار گردید.

نوشتار پیش‌رو، متن نوشتاری سخنان دکتر صفری فروشانی در این نشست می‌باشد که با ویرایش و تنظیمات جدید ساختاری و محتوایی، ارائه می‌گردد.

محورها و سرفصل‌های بحث:

- معرفی اجمالی آثار آیت الله خراسان؛
- بیان برخی ویژگی‌های کتاب «مزیل اللبس عن معجزتی شق القمر و رد الشمس»؛
- نقد و بررسی کتاب شامل:
- بیان ویژگی‌های روش متن محور؛
- بیان ویژگی‌های روش تحلیل محور.

مقدمه

آیت الله سید محمد مهدی خراسان از چهره‌های شاخص و پرکار در حوزه‌ی دفاع از مکتب اهل بیت (ع) و مذهب تشیع به‌شمار می‌آید که آثار فراوانی را - عمدتاً با قلم و نگارش - در این زمینه پدید آورده است.

این آثار چند گونه است:

۱. آثار تصحیحی. در این آثار، منابع متقدم بزرگان عالمان شیعی - مانند شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی (رضوان الله علیهم) - تصحیح و تنقیح گردیده و مقدمه‌های باارزشی در صدر آنها، افزوده شده است.

۲. آثار تألیفی. مانند «موسوعه ابن عباس» در ۲۱ جلد.

۳. آثار چاپ نشده.

از مهم‌ترین آثار این عالم شیعی که در دفاع از مکتب تشیع نگارش یافته است، کتاب «مزیل اللبس عن معجزتی شق القمر و رد الشمس» می‌باشد. نویسنده در این کتاب، موضوع شق القمر و رد الشمس را به تفصیل بررسی کرده و به تمامی شبهات در این زمینه پاسخ داده است. به روشنی می‌توان گفت که این اثر در موضوع خودش، کامل‌ترین و شاخص‌ترین کتاب است؛ مانند کتاب «الغدیر» در موضوع «غدیر».

۱. برخی ویژگی‌های کتاب

برخی ویژگی‌های اثر مورد نظر عبارتند از:

۱. جامعیت؛

۲. رعایت انصاف در نقل مطالب. نویسنده، تمام اقوال موافق و مخالف را درباره‌ی موضوع بحث،

بی‌کم و کاست نقل کرده و امانت‌داری و انصاف را به کمال رعایت نموده است.

۳. استقصاء و استقراء نسبتاً کامل از تمامی مطالب مرتبط با موضوع. مؤلف کتاب حتی به مباحث کیهان‌شناختی و نقل دیدگاه «ناسا» نیز مبادرت ورزیده و برای اثبات مشاهدات معاصرین این دو معجزه، به داستان «بابا رتن هندی»^۱ استناد کرده و تاحدودی ادعای بابا رتن را مورد تأیید قرار داده است.

۴. ساختار جذاب و لذت‌بخش.

۵. تبیین روشمند و مفید برخی مطالب. مانند مفهوم‌شناسی کرامت، معجزه، خرق عادت و ... که به خوبی تبیین شده و از هم تفکیک گردیده است.

۶. طرح بحث به صورت بین رشته‌ای و استفاده از رشته‌های مرتبط. مانند رشته‌های کلامی، حدیثی، تفسیری، تاریخی و ...

این کتاب در مجموع ۵۵۰ صفحه است که از ۳۴۰ منبع در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف، بهره‌برده است و در موضوع خودش، اثر ماندگار به‌شمار می‌آید.

۲- نقد و بررسی

در نقد و بررسی این اثر، مبنای اصلی ناقد، ارزیابی روشی است؛ البته نه روش به معنای اصطلاحی^۲، بلکه بدین معنا که نویسنده چگونه به اثبات مفروضات خود پرداخته است.

برای تنقیح بحث، لازم است که روش‌های علوم اسلامی را در دو کلان مبحث، طرح نماییم:

یکی «روش متن محور»؛

و دیگری «روش تحلیل محور».

نویسنده‌ی کتاب به روش متن محور تعلق دارد. منظور از متن، متن به معنای عام نیست، بلکه مراد «جمله‌ها» و «عبارت‌های» است که دارای پیام هستند. مانند عبارت «شق القمر» که پیام تاریخی آن عبارت است از معجزه‌ی که در گذشته رخ داده.

^۱ اولین بار در قرن هفتم هجری شخصی به‌نام «بابا رتن هندی» ادعا کرده که معجزه‌ی شق القمر را در هند دیده است (ر.ک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «رتن»).

^۲ روش در معنای اصطلاحی به استفاده از ابزار لازم مرتبط با هر رشته اطلاق می‌شود. مانند روش کلامی، روش تاریخی، روش حدیثی، روش هرمنوتیکی و ...

در روش متن محور، شخص محقق متنی را که دارای پیامی است، مفروض و مسلم و خدشه‌ناپذیر تلقی می‌کند و سپس از هر راه ممکن به اثبات آن می‌پردازد و شبهات مرتبط با آن متن را در حاشیه می‌راند. عمده‌ی منابع حدیثی و تاریخی، مبتنی بر همین روش هستند و نوع محققان اسلامی، فقط با همین روش آشنایی دارند.

۲-۱- ویژگی‌های روش متن محور

۱. **هدف محقق، دفاع از متن و پیام آن است** و تمام سعی او در راستای اثبات متن مورد نظرش صورت می‌گیرد.

۳. ویژگی دیگر این روش، **تعبدگرایی** است؛ یعنی پژوهشگر معتقد است که چنین متنی با پیام مشخصی وجود دارد و او ملتزم است که آن را مورد پذیرش قرار دهد.

۳. **پی‌جویی عوامل بیرونی برای اثبات آن متن**، از دیگر ویژگی‌های روش متن محور است. یعنی اصل متن، مسلم تلقی می‌شود و برای اثبات آن به شواهد و دلایل بیرون از دایره‌ی متن، تمسک می‌گردد. به عبارت دیگر، متن مورد نظر، مورد بررسی، تحلیل و تطورشناسی قرار نمی‌گیرد، بلکه نگاه محقق به بیرون از متن قرار دارد. از باب مثال، نویسنده‌ی کتاب برای اثبات دو معجزه «شق القمر» و «رد الشمس» به بازتاب این موضوع در شعر شاعران پرداخته و آن‌ها را به عنوان دلیل ذکر کرده است.

۴. چهارمین ویژگی، **توجیه‌گرایی** است. یعنی اگر اشکالی متوجه متن مورد نظر باشد، شخص محقق به دنبال توجیه آن‌ها برمی‌آید. از باب نمونه مؤلف محترم در پاسخ به این شبهه که چرا این دو واقعه‌ی بزرگ را معاصران پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) ندیدند، چنین توجیه می‌کند که شاید ابر بوده، شاید توجه نداشته‌اند، اصل واقعه در زمانی محدودی اتفاق افتاده و نوع مردم در این زمان محدود، توجه به چنین رخدادهای ندارند.

۵. **عدم تعمق و تدبیر در متن** را ویژگی دیگری روش متن محوری می‌توان برشمرد. مثلاً در مورد این دو رخداد، مسائلی هم‌چون زمان شناسی، مکان‌شناسی و مفهوم‌شناسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به‌طور خاص در مورد شق القمر از لحاظ مکانی اختلاف عمیقی وجود دارد؛ زیرا در یک نقل، مکان این اتفاق مدینه گزارش شده است و در نقل دیگر، صهبا ذکر شده است، در حالی که میان آن‌دو، حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله وجود دارد.

یکی از مبانی نویسنده‌ی کتاب و برخی دیگر از بزرگان مانند علامه سید جعفر مرتضی عاملی (ره) این است که طبق عبارت مشهور «**لا یوجد دخان من دون نار**»، اختلاف درباره‌ی یک پدیده‌ی تاریخی، دلیل بر اصل وقوع آن است. به عبارت دیگر، اختلاف در مورد وقوع یک رخداد، دلیل بر آن است که اصل و ریشه‌ی آن واقعه، چیزی بوده است که مورد اختلاف قرار گرفته است. این درحالی است که ای‌بسا مواردی ممکن است وجود داشته باشد که مورد نزاع و اختلاف قرار دارد، اما هیچ ریشه‌ی تاریخی نداشته باشد. بنابراین، عبارت مشهور پیشین، سخن علمی نیست و نمی‌تواند پایه‌ی استناد قرار گیرد.

۶. **موضوع محوری** از دیگر خصوصیات این روش است. به عبارت بهتر، در این روش، طرح مباحث، به صورت مسأله محوری نیست، بلکه به صورت کلی و موضوع محوری است.

۷. **کشاندن سؤال به سمت شبهه**، از دیگر خصوصیات آن است. یعنی اگر کسی سؤالی را در خصوص متن خاصی مطرح کند، متن‌محوران چنین تلقی می‌کنند که سؤال‌کننده در پی القای شبهه است و نگاه بدبینانه به او دارند. در حالی که ممکن است سؤال وی به منظور فهم مسأله باشد، نه به منظور القای شبهه.

۸. ویژگی دیگر، **شهرت‌گرایی** است. یعنی اگر محققى به نتایجی مخالف شهرت و اجماع دست‌یافته باشد، نمی‌تواند دیدگاه خودش را مطرح کند، زیرا بیم مخالفت با شهرت را دارد. از جمله اموری که امروزه پایه‌ی پذیرش همگانی آن، شهرت به‌شمار می‌آید، موضوع شق القمر و رد الشمس است؛ زیرا استنادات قرآنی و روایی این دو مسأله، توانایی اثبات آن دو را ندارند. دلیل صریح قرآنی نسبت به این دو موضوع وجود ندارد و روایاتی که در این زمینه موجود است، قدرت استنباط یک مسأله شرعی استنباطی را ندارد، چه رسد به یک مسأله بزرگ کیهانی.

۹. نهمین ویژگی، **تکثیر دلیل** است. این درحالی است که ممکن است تکثیر دلیل موجب ایجاد بدبینی نسبت به تمامی دلایل گردد؛ زیرا مخدوش شدن چند دلیل، در ذهن مخاطب، سستی دیگر دلایل را نیز القا می‌کند. اما اگر یک دلیل محکم و قاطع نسب به یک مسأله‌ی وجود داشته باشد که کسی نتواند آن را مخدوش کند، اثر به مراتب مطلوب‌تری در پی دارد.

از اموری که در کتاب مورد بحث برجسته است، همین تکثیر دلیل است؛ چنان‌که نویسنده برای اثبات مفروضات خویش، به داستان بابا رتن هندی و امور کیهانی نیز استناد کرده است.

۱۰. دهمین ویژگی، **عدم نقد عمیق شبهه** است که نوع روش متن محور، شبهات را عمیق پاسخ نمی‌دهند.

۲-۲- ویژگی‌های روش تحلیل محور

پیش از بیان ویژگی‌های این روش، شایسته است چند نکته‌ی مقدماتی یادآوری گردد: یکی این‌که روش تحلیل محور چندان نمونه‌های در میان پژوهش‌های تاریخی ندارد و در این عرصه، چندان کار نشده است.

دیگر این‌که ارائه‌دهنده‌ی این بحث، در مقام یک مستشرق سخن نمی‌گوید، بلکه در مقام یک شیعه‌ی معتقد به تمامی اصول و مبانی تشیع و به عنوان گفتمان درون مذهبی سخن می‌گوید. بدان امید که پرسش‌های موجود در خصوص موضوع یادشده، پاسخ داده شود و کسانی که در آینده این موضوع را دنبال می‌کنند، سطح بحث را بالاتر ببرند و به آن تعمق بخشند تا بتوان این موضوع را در مجامع علمی ارائه کرد.

نکته سوم، نیازمندی میراث‌روایی و تاریخی ما به پالایش است. این نیازمندی از آن جهت است که احتمال دارد برخی از اموری که جزو ضروریات مذهب نیست و ما سرسختانه از آن‌ها دفاع می‌کنیم، اصل و ریشه‌ای نداشته باشد؛ چنان‌که همه معتقدیم موضوع شق القمر و رد الشمس، از اصول اعتقادات تشیع و ضروری مذهب نیست، ولی در عین حال، از نظر تاریخی قابل اثبات هم نیست. به صراحت تأکید می‌گردد که شخص ناقد در پی نفی این موضوع نیست، بلکه آن‌چه مورد نظر ناقد است این است که موضوع یادشده - براساس مستندات موجود - قابل اثبات نیست. محقق عرصه‌ی تاریخ، نیاز به اثبات یک مسأله‌ی تاریخی دارد. اگر مستندات ارائه شده توانایی اثبات آن مسأله را داشته باشند، از نظر شخص محقق، مورد تأیید قرار می‌گیرد و اگر توانایی اثبات را نداشته باشند و از آن طرف دلایل جعل آن مسأله مفقود باشند، در بوته‌ی امکان قرار می‌گیرد و در نتیجه مسأله‌ی مورد بحث از منظر پژوهشگر تاریخ، نه قابل اثبات است و نه قابل نفی.

اگر ثابت شود که موضوع شق القمر در بیان پیامبر یا امام وجود داشته، از نظر یک شیعه این امر، مسلم تلقی می‌شود، اما تمام سخن در اثبات آن است. هیچ‌آیه‌ی صریحی از قرآن در خصوص شق القمر و رد الشمس وجود ندارد و چند تا روایتی که هم مستند این واقعه قرار گرفته‌اند، مخدوش هستند. اگر آیه‌ی صریحی از قرآن در این زمینه وجود داشت، شخص ناقد به عنوان یک شیعه‌ی امامی،

معتقد به آن بود ولو از نظر تاریخی قابل اثبات نباشد؛ زیرا قرآن و سخنان قطعی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) خط قرمز یک فرد شیعی است و از همین جا راه او از یک مستشرق جدا می‌شود که خط قرمزی در منابع اسلامی قائل نیست.

بنابراین، نیاز مبرم وجود دارد که از درون خود مذهب، به سمت نقد میراث، متون و پیام‌ها حرکت کنیم و دست به پالایش بزنیم. ترقی دانش هم از همین جا نشأت می‌گیرد و با رویکرد تحلیل محور می‌توان به لایه‌های مختلف علم دست یافت و پله‌های صعود را طی کرد.

آنچه که ائمه (ع) سفارش فرموده‌اند بیان محاسن کلام آن بزرگواران است که اگر مردم محاسن کلام آن حضرات را بفهمند، از آنان تبعیت خواهند کرد. محققان شیعی درباره‌ی کرامات و معجزات پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) بسیار تلاش کرده‌اند، اما در خصوص بیان محاسن کلام اهل بیت (ع) کار چندانی صورت نگرفته و این مسأله‌ی مهم و مورد تأکید ائمه (ع) مورد بی‌مهری قرار گرفته است. با این مقدمات، می‌پردازیم به بیان ویژگی‌های روش تحلیل محور.

۱. **تحلیل محوری، مسأله محور است**، نه موضوع محور. از باب مثال اگر پژوهشگری بخواهد موضوع فوق را با روش تحلیل محور بررسی کند، باید ۲۰ مقاله‌ی مسأله محور در این رابطه پدید آورد. مانند بررسی رد الشمس در ادیان مختلف، در اسلام، در حدیث، نقش راویان در نقل این مسأله، نقل این موضوع در منابع و ... که ناگزیر است لایه‌های مختلف این موضوع را بشکافد.

۲. از دیگر ممیزات روش تحلیل محور، **تلاش محقق نسبت به فهم مسأله‌ی تاریخی** است؛ زیرا معتقد است که سوژه‌های تاریخی قابل فهم و تحلیل هستند. لایه‌های مختلف مسأله‌ی تاریخی مانند چگونگی، چرایی، سیر تطورات و ... در روش تحلیل محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. در رویکرد تحلیل محوری، **از تمامی رشته‌های مربوطه بهره‌گرفته می‌شود**. مثلاً در موضوع بحث، از رشته‌های تاریخ، حدیث، علوم قرآن، علوم جدید و ... استفاده می‌شود تا تمامی زوایای یک مسأله‌ی تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. در این روش، **پژوهشگر، سؤال را سؤال تلقی می‌کند و در صدد پاسخ‌گویی آن است**، نه این‌که سؤال را تبدیل به شبهه کند و از پاسخ دادن طفره رود. تحلیل محور معتقد است که هر سؤالی در خصوص یک مسأله‌ی تاریخی از هر فردی باشد، نیاز به پاسخ دارد، چه این‌که خود توان پاسخ‌گویی داشته باشد و چه آن‌که از پاسخ‌گویی عاجز باشد و ارائه‌ی پاسخ را به فرد داناتر از خود، واگذار نماید.

۵. ماهیت شناسی از دیگر خصوصیات این روش است. از باب مثال درباره‌ی این دو مسأله‌ی تاریخی، ابتدا بایستی ماهیت‌شناسی صورت گیرد و تشابهات و تمایزات آن دو بیان گردد. ماهیت شق القمر، معجزه است و ماهیت رد الشمس، خرق عادت است. معجزه به دنبال یک ادعا صورت می‌گیرد، چنان‌که گفته شده شق القمر پس از درخواست مشرکین مکه از پیامبر اکرم (ص) و با اشاره‌ی دست پیامبر وقوع یافته است. اما ماجرای رد الشمس این‌گونه نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) روی ران امیرمؤمنان علی (ع) به خواب رفته بود تا این که نماز عصر علی (ع) قضا شد. پس از آن رسول خدا (ص) از خورشید درخواست کرد که برگردد تا علی (ع) نماز عصر را بخواند.

ماهیت شناسی این دو مسأله، پیامدهای متفاوتی را از آن دو به نمایش می‌گذارد:

شق القمر یک موضوع قرآنی است، اما رد الشمس یک مسأله‌ی روایی است. گرچه انشقاق قمر در قرآن آمده، اما دلالت آن بر مسأله‌ی شق القمر توسط پیامبر اکرم (ص) روشن نیست، زیرا ممکن است اشاره به وقوع این پدیده در قیامت داشته باشد.

شق القمر در مکه اتفاق افتاده، در حالی که رد الشمس در مدینه و یا بعد از رحلت رسول خدا (ص) اتفاق افتاده است.

شق القمر، مورد اتفاق تمامی مسلمانان است، اما رد الشمس مورد قبول شیعیان و برخی اهل سنت است.

شق القمر، معجزه است، در حالی که رد الشمس فضیلت است.

۶. از دیگر خصوصیات روش تحلیل محور تبارشناسی است. بدین معنا که موضوع مورد نظر در کدام یک از دانش‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد؟ آیا دانش کلام عهده‌دار بررسی این مبحث است، یا حدیث و یا تاریخ؟

دانش تاریخ، از چند مشخصه‌ای برخوردار است که برپایه‌ی آن، هر مسأله‌ی دارای این مشخصات باشد، ذیل دانش تاریخ قرار می‌گیرد و بایستی در این علم مورد بررسی قرار گیرد.

این مشخصه‌ها عبارتند از:

- زمان؛

- مکان؛

- شخصیت؛

- واقعه.

هر موضوعی که حائز این ممیزات باشد، اصالتاً در حوزه‌ی تاریخ قرار می‌گیرد؛ گرچه ممکن است منابع آن غیر تاریخی نیز باشد، مانند منابع روایی و حتی کلامی. محقق تاریخ چنین موضوعی را از این نگاه مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا شواهد کافی برای اثبات آن وجود دارد یا نه؟

نکته‌ی دیگر در بحث تبارشناسی، **شناسایی گزاره بودن این موضوع** است، نه عقیده و باور بودن آن. به عبارت بهتر، موضوع شق القمر، از اصول اعتقادات نیست که عدم پذیرش آن، به مثابه‌ی انکار ضروریات مذهب به‌شمار آید، بلکه یک گزاره‌ی تاریخی است که اثبات یا عدم اثبات تاریخی آن و نیز باورداشتن و یا باورنداشتن به آن، خللی در باورها و تقیدات مذهبی فرد وارد نمی‌کند. به عبارت خاص‌تر، شق القمر و رد الشمس یک معجزه و فضیلت است که محقق تاریخ، معجزه بودن و فضیلت بودن آن‌ها را قبول دارد، اما مستندات آن‌ها را برای اثبات تاریخی آن دو، کافی نمی‌داند.

۷. از مهم‌ترین ویژگی‌های روش تحلیل محور، **وزن شناسی** است. بدین معنا که موضوع شق القمر و رد الشمس بزرگترین معجزه و خرق عادت است که در کل تاریخ بشر ممکن است رخ داده باشد؛ زیرا معجزاتی که در قرآن بیان شده و یا در دیگر روایات نقل شده است، مربوط به کره‌ی خاکی است، اما این دو معجزه در آسمان و در اجرام دیگر رخ داده است.

به تناسب وزن معجزات و خرق عادات، **هرچه معجزه و خرق عادت بزرگتر باشد، بایستی دلایل اثبات‌کننده‌ی آن‌ها نیز قوی‌تر باشند**. با چند روایتی که یک مسأله‌ی شرعی استجابی از آن‌ها قابل استنباط نیست، نمی‌توان معجزه و خرق عادت با این عظمت را اثبات کرد. حتی با شهرت و اجماع نیز قابل اثبات نیستند و دلیل قوی‌تر از تواتر نیاز دارند. در رویکرد متن محوری، به وزن این دو مسأله توجه نشده است.

۸. ویژگی دیگر، **فایده‌شناسی است**. یعنی از نظر تحلیل‌گر، باید وقوع چنین پدیده‌های بزرگی دارای فوایدی باشد. بررسی آیات قرآن و تاریخ نشان می‌دهد که صدور معجزات از سوی انبیا، فوایدی را به دنبال داشته است و آن این‌که گروهی یا شخصی پس از دیدن معجزه، ایمان آورده‌اند. در حالی که هیچ گزارشی وجود ندارد و در قرآن نیز اشاره نشده است که کسی پس از دیدن معجزه‌ی شق القمر ایمان آورده باشد و یا بعد از برگشتن خورشید برای امیرمؤمنان علی (ع) کسی او را تنها فرد شایسته

برای خلافت، تلقی کرده باشد. این در حالی است که نظم عالم، ناموس خداست و اعجاز و خرق عادت که تصرف در ناموس الهی به‌شمار می‌آید، باید دارای فواید و آثاری باشد.

در پایان به دو نکته‌ی قرآنی دیگر در خصوص شق القمر اشاره می‌گردد.

الف. **رخداد شق القمر با دیگر آیات درخواست معجزه^۱ سازگاری ندارد؛** زیرا مسأله شق القمر در سوره‌ی قمر آمده و سوره‌ی قمر در مکه نازل شده است. پس از این واقعه و در مدینه آیاتی نازل شده است که مسأله‌ی معجزه خواستن از رسول خدا (ص) را مطرح کرده اند. پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به درخواست معجزه چنین پاسخ می‌داد که من نیز بشری مثل شما هستم. در هیچ آیه‌ی نیامده و نیز هیچ گزارشی وجود ندارد که رسول خدا (ص) در پاسخ آنان گفته باشد شما قبلاً از من معجزه درخواست کردید و من قمر را شکافتم، اما شما ایمان نیاورید، پس دیگر از من معجزه نخواهید.

ب. **ناسازگاری واقعه‌ی شق القمر با سنت الهی.** سنت الهی برای امر جریان دارد که هرگاه قومی برای ایمان آوردن به پیامبری، درخواست معجزه کند و آن پیامبر معجزه نشان دهد، اما قوم او ایمان نیاورد، عذاب الهی را در پی دارد.^۲ این در حالی است که وقتی شق القمر رخ داد و کسی ایمان نیاورد، چیزی از این سنت الهی مشاهده نشد.

^۱ «وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا رَعِمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (اسراء / ۹۳-۹۴)

^۲ «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ قَالَ اللَّهُ إِنَّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَأُعَذِّبَهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (مائده / ۱۱۴-۱۱۵).